

مطالعه نقش مایه گلدانی در قالی‌های خشتی روستایی چهارمحال و بختیاری

(با تأکید بر مناطق چالستر، شلمزار و بلداجی)

محمدعلی اسپنانی

کارشناس ارشد پژوهش هنر، عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه شهرکرد

پیوند توفیقی بروجنی

کارشناس ارشد پژوهش هنر، عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه شهرکرد



فصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۸
بهار ۱۳۹۰

۳۱

چکیده

از آن جمله: تنوع نقش مایه گلدان در قالی‌های خشتی چگونه است؟ ترکیبات اصلی (شکل و ساختار) آن چیست؟ و در نهایت، تغییر و تحولات این نقش در حوزه فوق مدلول چه عواملی است؟ به نظر می‌رسد موشکافی در حوزه فوق علاوه بر شناسایی شکل و ترکیبات نقش مایه گلدان منجر به کشف اهمیت و جایگاه نقش‌های اصیل در حوزه‌های روستایی، حفظ میراث ملی و به‌ویژه خلق ترکیباتی ارزشمند برپایه الگوهای بکر در طراحی امروز خواهد شد. تحقیق حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و در گردآوری اطلاعات به منابع اسنادی و به‌ویژه مطالعات میدانی اتکاء شده است.

واژه‌های کلیدی: نقش مایه گلدان، قالی‌های خشتی روستایی، چهارمحال و بختیاری، شکل و ساختار.

کهن نقش گلدانی از اساسی‌ترین نقش‌مایه‌های الگوساز در فرهنگ تصویری ایران، چه به‌صورت منفرد و چه در ترکیب بوده و از مظاهر مفرح و خرمی بی‌پایان است. کثرت گونه‌ها، تنوع فرم و ساختار انعطاف‌پذیر آن در همنشینی با نقش‌مایه‌های دیگر، نقش مایه گلدان را به عنصری پایه و هادی دیگر نقش‌ها مبدل نموده است. دستبافته‌های روستایی و عشایری به تنهایی و تمامی، قدرت و ارزش‌های نقش گلدانی را هویدا ساخته و خود را به‌مثابه سرمشق‌هایی نو در صناعات و سبک‌های شهری قرار داده‌اند. در این بین، فراوانی، تنوع و به‌ویژه حضور خلاقانه نقش گلدان در قلمرو قالی‌های خشتی روستایی چهارمحال و بختیاری از اهم مواردی است که سؤالات متعددی را مطرح می‌نماید.

مقدمه

با وجود گستره عظیم بن‌مایه‌های گلدانی و تأثیرات بسزای آن در سامان‌بخشی طرح‌های قالی ایران، هنوز شناخت صحیح و مدونی از آن ارائه نشده است. در طبقه‌بندی طرح‌های قالی ایران [۱] سوای طرح گلدانی که به استقلال و به همین نام خوانده شده و دارای سوابق مهم و معتبری است، می‌توان به ترکیبات و تلفیقات این نقش سازنده نیز توجهی خاص داشت. از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: گلدانی بند اسلیمی، گلدانی حاج خانمی، گلدانی ختایی، گلدانی تکراری، گلدانی سراسری، گلدانی ستونی، گلدانی لچک و ترنج، گلدانی یک‌طرفه، گلدانی دوطرفه (آذریاد و رضوی، ۱۳۷۲: ۱۱۴-۱۱۵). این گستره تلفیق و ترکیب (که می‌تواند گسترده‌تر و فراخ‌تر نیز باشد) چنین مینماید که بن‌مایه گلدان توانسته با انعطاف خود به‌عنوان عنصری پایه با دیگر نقش‌ها طرحی نو بسازد.

جدای از این می‌توان گلدان را در گروهی از طرح‌ها دید که با همراهی دیگر نقش‌ها در بازتاب بهشت‌های برین توفیق یافته‌اند. در این گروه طرح‌های «خشتی» [۲] را می‌توان یافت که از جمله کهن‌ترین و ناب‌ترین طرح‌ها بوده و منشعب از طرح‌های باغی هستند (حضوری، ۱۳۸۱: ۳۰). در طرح‌های خشتی اگرچه وجود نقش گلدان همواره مسلم نیست، اما فراخور حضور خود را در ترکیباتی بدیع ارائه داده است. در این زمینه، مهم‌تر زمانی است که فرهنگ‌های بومی و روستایی اقبال گسترده‌ای به ساخت نقش‌ها و خاصه «گلدان» داشته و آن را دگرگون ساخته‌اند. از این رو قالی‌های خشتی روستایی چهارمحال و بختیاری از مصادیق بارز امر حاضرند.

در قالی‌های خشتی روستایی چهارمحال و بختیاری براساس داده‌های میدانی بیش از سی نقش متمایز و به

عبارت بهتر، سی خشت منقش مستقل و متمایز وجود دارد [۳] که در تعامل مناطق با یکدیگر به گونه‌های متنوعی جلوه‌گر شده و شمار آنها از این رقم فراتر رفته است. از این تعداد، خشت گلدان ظهوری قابل توجه و البته متفاوت‌تر داشته و در مواردی خود شاخصه تشخیص سبک نواحی [۴] شده است.

برای شناسایی و رسیدن به درک بهتر از موضوع می‌توان سبک طراحی گلدان‌ها در حوزه روستایی چهارمحال و بختیاری را به سه صورت تقسیم‌بندی کرده و مختص به سه منطقه فرش باف دانست: سبک چالشر، سبک شلمزار و سبک بلداجی [۵]. مهم‌ترین دلایل گزینش سه ناحیه فوق، فراوانی نقوش گلدانی و اهمیت طرح خشتی در این سه حوزه است. در واقع عمده شهرت این سه ناحیه به‌واسطه تنوع قالی خشتی و وجود طیف گوناگونی از نقش‌مایه گلدان در منطقه چهارمحال و بختیاری است. بنابراین سبک طراحی سایر مناطق، بر حسب آنکه به کدام‌یک از سه حوزه نامبرده نزدیک باشد، تعیین می‌گردد. کثرت و تنوع نقش گلدان در قالی‌های خشتی بسیار زیاد بوده و هر منطقه تعداد بیشماری نقش گلدان دارد. این نقوش گرچه هیچ شباهتی به یکدیگر ندارند، اما همگی از سبک منطقه‌ای خاص تبعیت می‌کنند؛ به شکلی که نمونه‌های هر منطقه (به لحاظ طرح، ترکیب‌بندی و رنگ) از یکدیگر قابل تفکیک هستند.

در تحقیق حاضر نقش‌مایه‌های گلدانی مناطق چالشر، شلمزار و بلداجی از جهات شکل کلی (فرم) و ترکیب با نقوش دیگر در یک خشت (قاب) مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب و گزینش نمونه‌ها با توجه به دو عامل مهم (و البته دخیل در موضوع بحث) انجام یافته است: الف) نمونه‌هایی که در آنها سیر تحول و روند تکاملی نقش گلدان و نیز تأثیرپذیری نقش از سایر

نواحی وجود داشته است؛ و ب) نمونه‌هایی که واجد شاخه‌های هویتی روستایی منطقه باشند. علاوه بر آن ویژگی‌های زیباشناختی و شرایط و کیفیات تجسمی در نمونه‌های مورد مطالعه مد نظر بوده و رعایت شده است. بنابراین و علی‌رغم حجم بالای نمونه‌های موجود در این حوزه روستایی، کوشش شده است تا نمونه‌های شاخص و اصیل با دقت و وسواس فراوان انتخاب گردند.

گلدان، پیشینه و گذشته

«گلدان» [۶] که نماد کهن مرتبط با آیین باروری و حاصل‌خیزی است، از هزاره سوم پیش از مسیح تا زمان حال به اشکال گوناگون بی‌شماری تجسم یافته است. بر طبق تداعی‌های نمادین گلدان، معمولاً آن را به حالت مستقر بر پایه هلالی شکل ماه نشان می‌دهند و در آن گیاهانی می‌نهند و این نشانه فراوانی و یا یکی از درخت‌های کیهانی است. غالباً از لبه گلدان یک جفت اسلیمی ریز آویخته است که در اصل خوشه‌های خرمایی بوده است که بر ماه‌درخت آویخته بود و سپس شاخه‌های آویخته بر هر یک از دو درخت کیهانی است که از شاخه‌های درخت نخل برآمده و سرانجام به درون خود گلدان بازگشته است (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۷۲۲) (تصویر ۱).



تصویر ۱- نقش سپری از فرش پاره به اصطلاح گلدانی، جوشقان قالی، مورخ ۱۰۶۷ ه.ق، موزه سارایوو (مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷: ۲۷۲۲)

نقش گلدان، نقشی کهن در هنرها و صناعات ایرانی است. سیروس پرهام در هنگام بررسی نقش ناظم بحثی مفصل دارد که عنصر و نقش گلدان در آن از جهات قدمت و به‌ویژه تغییر و تکامل آن حائز اهمیت است. از آن جمله است عصر سرو-گلدان و دو دوره تکاملی آن و جریان دگرگونی سرو-گلدان به سرو گلزار هزار گل (پرهام، ۱۳۸۷: ۳۱۷). و از این رهگذر است ارتباطی که تکامل گلدان با نقش ناظم پیدا کرده است.

اما با وجود نشانه‌های بسیار از حضور نقش گلدان در هنرها و صناعات ایرانی، حضور گلدان در حوزه فرش‌بافی هنگامی قابل تأمل گردیده که به‌عنوان طرح گلدانی معروفیت یافته و شناخته شده است. پوپ در اثر معتبر خویش یعنی کتاب سپری در هنر ایران به تشریح طرح گلدانی پرداخته است: «در پایان سده دهم هجری یک گروه قالی پیدا شده که بسیار شاخص و اصیل است و از بعضی جهات از سنت قالیبافی [از حیث طراحی] جداست، هرچند که از نظر خصوصیات کاملاً ایرانی است و شاید حتی نمایانگر استوارترین یا شاید هم درخشان‌ترین جلوه این هنر باشد، این گروه را عموماً قالی‌های گلدانی نامگذاری کرده‌اند (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۷۲۱). ابتکار طرح گلدانی مربوط به زمان شاه عباس است. در طرح گلدان، اگر فرش را چهار بخش کنیم، نقشه بخش‌ها با هم یکی نیستند ولی در فرش‌هایی با طرح‌هایی دیگر، نگاره‌های هر چهار بخش کم و بیش با هم یکی هستند. از قالی‌های گلدانی زمان صفوی بیش از پنجاه تخته در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به یادگار مانده است که گرانبهاترین آنها در موزه برلین و لندن است (آذریاد و رضوی، ۱۳۷۲: ۱۱۳-۱۱۴).

نکته آنکه حضور گلدان تنها محدود به طرح و نقشه گلدانی نبوده و گستره وسیعی از طرح‌ها و نقوش قالی

ایران (ازجمله در ترکیب و تلفیق‌های جالب توجه در زیرگروه‌های محرابی، گونه‌های گیاهی به‌ویژه درختی و غیره) دارای این نقش انعطاف‌پذیرند.

در قلمرو طرح‌های خشتی البته امکانات فراوانی برای ظهور گلدان مهیا گردیده تا در تلفیق و ترکیب با آرایه‌های گیاهی، انتزاعی و مانند آن‌ها بهترین جلوه‌های آن دیده شوند. تصویر ۲- الف و ب حضور گلدان در قالی طرح گلدانی کرمان و قالی با طرح خشتی شلمزار را نشان می‌دهد.

تنوع نقش‌مایه گلدان در حوزه‌های فرش‌بافی چالستر، شلمزار و بلداجی

استان چهارمحال و بختیاری از کهن‌ترین مناطق فرهنگی ایران و در عرصه فرش‌بافی روستایی و عشایری و از غنی‌ترین نواحی به‌حساب می‌آید. فرش چهارمحال و بختیاری از معدود فرش‌هایی است که هویت و اصالت خویش را حفظ نموده است (صور اسرافیل، ۱۳۸۹: ۳۰) و بنابراین در اکثر مناطق آن می‌توان کیفیاتی ناب و بکر را مشاهده و جستجو نمود.

ظرفیت‌های بالای منابع میدانی استان در حیطه طرح‌ها و نقوش عشایری و روستایی زمینه‌های فراوانی فراهم ساخته تا از باب روشن‌سازی موضوع حاضر مورد موشکافی قرار گیرد.

چالستر، شلمزار و بلداجی در عرصه فرش‌بافی با کیفیتی روستایی از نواحی شناخته شده در چهارمحال و بختیاری به‌حساب می‌آیند [۷].

به تقریب فراوان نقش‌مایه گلدان در اکثر قالی‌های چهارمحال و بختیاری حضوری فعال داشته و دارد. با توجه به حجم بالای نمونه خشت گلدان‌های به‌دست آمده از حوزه میدانی این تحقیق (تنها در حوزه روستایی

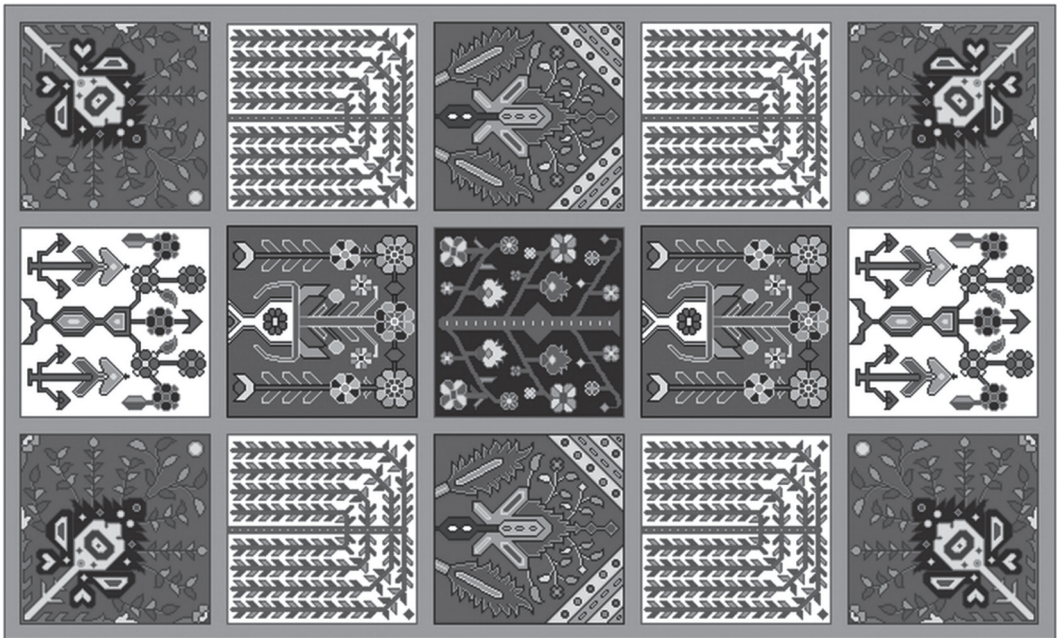
چالستر، شلمزار و بلداجی بیش از ۳۰ گونه متمایز غیر از تنوعات آن‌ها مشاهده گردید) و ضرورت و نیاز به شناسایی و بررسی آنها، لاجرم با توجه به چند شاخصه مهم و مرتبط با بحث که پیشتر ذکر آن رفت، تعدادی از آنها گزینش و در جدول ۱ جهت مطالعه تشریح گردیده است. براساس داده‌های میدانی بیشترین و نیز متنوع‌ترین گونه‌های گلدان در قالی‌های خشتی روستایی چالستر، بلداجی و شلمزار دیده شده است.

با این‌که در نمونه‌های حاضر عناصر معینی (گلدان و ملحقات آن، گلها و گیاهان و لچک‌هایی که اغلب در حکم محرابند) وجود دارد، اما طراح با تغییر و دگرگونی در فرم گلدان‌ها و ترکیب و تلفیق با دیگر عناصر موفق عمل کرده و به‌نظر می‌رسد فضای محدود خشت بر این تنوع سایه نیفکنده است.

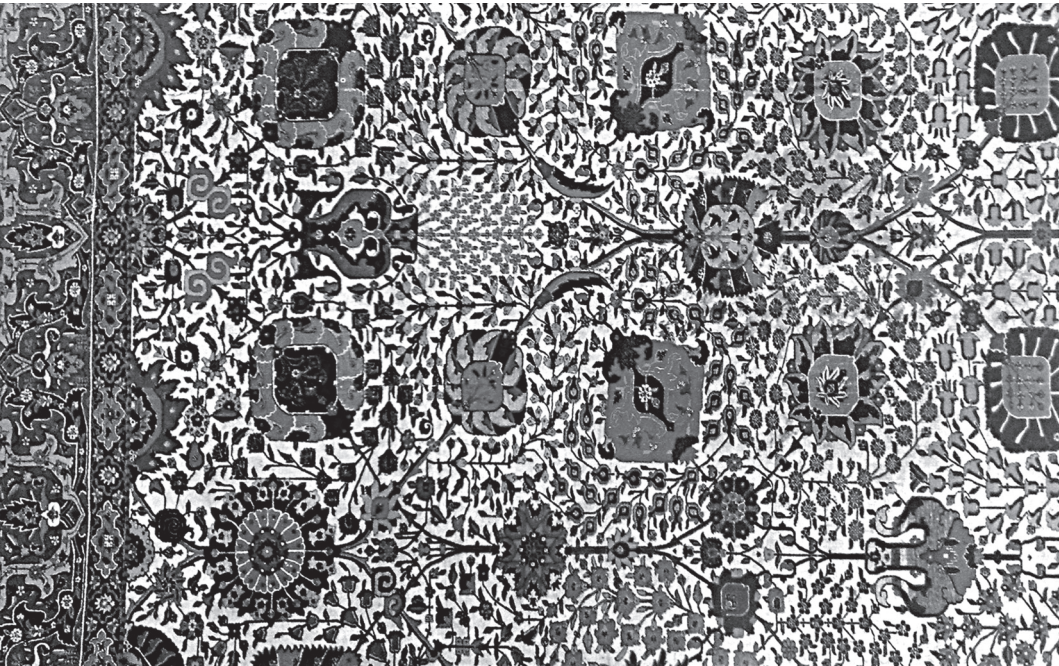
بنابراین می‌توان به شکل‌ها و فرم‌های گوناگونی از گلدان دست یافت که از انتزاعی‌ترین تا شبیه‌ترین موارد به نمونه‌های واقعی را شامل می‌شود.

نیز باید به یاد داشت که اگرچه بحث حاضر محدوده‌های خشتی و روستایی را مورد کنکاش قرار داده است، اما از آنجا که بعضاً غنی‌ترین و بکرترین نمونه‌های گلدان در حوزه‌های عشایری و یا خارج از قلمروهای طرح خشتی ظهور یافته‌اند و از جهتی کثرت و تنوع این نقش‌مایه در آرایه‌های تزئینی خاصه در معماری استان به‌ویژه قلعه چالستر [۸] از اثرگذارترین شاخصه‌ها در شکل‌گیری نقش‌های گلدانی قالی‌های روستایی است، از این رو در بررسی‌ها این مسئله در نظر آمده و به آن دقت شده است.

تصویر ۳- الف تنوع و گستره نقوش گلدانی در آرایه‌های معماری قلعه چالستر و قالی روستایی شلمزار را نشان می‌دهد. تصویر ۳- ب فرم‌های متنوعی از گلدان



تصویر ۲- ب: طرح خشی سلیمان، نقوش گلانی
(انگاره نمونه های فرش روستایی چهارمحال و بختیاری)



تصویر ۳- الف: بخشی از یک قالی طرح گلانی، کرمان، قرن ۱۶ میلادی (اشبهه: ۱۳۸۴، ۱۷۸)

کلام

فصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۸
بهار ۱۳۹۰



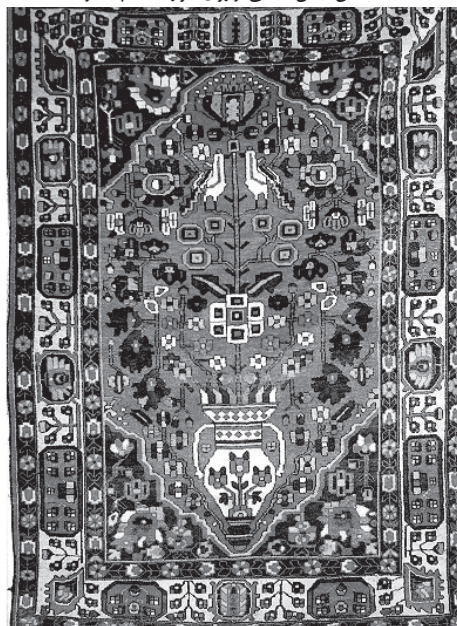
ب: نقش گلدان، نقاشی بر روی دیوار - قلعه چالستر



الف: نقش گلدان، نقاشی بر روی دیوار - قلعه چالستر



ج: نقش گلدان، نقش برجسته سنگی - قلعه چالستر



ه: قالی با طرح گلدان - سلمزار



د: نقش گلدان بر روی ستون های ورودی قلعه چالستر

تصویر ۳ الف - تنوع و گستره نقوش گلدانی در حوزه چهار محال و بختیاری (ماخذ: میدانی)



(د)



(ج)



(ب)



(الف)

(الف): نقش گلدان در قالی روستای حیدری، چهارمحال وبختیاری (Willborg,2002,235)

(ب) : نقش گلدان در قالی مناطق روستایی وعشایری چهارمحال وبختیاری (Stone,2004,243)

(ج) و (د): نقش گلدان در قالی مناطق روستایی وعشایری چهارمحال وبختیاری (ماخذ: میدانی)

تصویر ۳ ب- تنوع نقوش گلدانی در قالیهای روستایی و عشایری چهارمحال و بختیاری (ترسیم و تدوین: نگارندگان)

را در قالی‌های حوزه چهارمحال و بختیاری ارائه نموده است. محدود به بدنه آنها شده است، در حالی که در نمونه‌های کامل‌تر علاوه بر آزادی و قدرت مانور در تغییر شکل کلی گلدان، می‌توان شاهد تزئینات روی بدنه، گردنه، پایه و حتی تغییر فرم با انحنا گوناگون دسته‌ها بود. در نمونه‌های شهری، گلدان‌ها البته دارای الحاقات دیگری هم هستند. از آن جمله فرمی هلالی شکل در پایین گلدان که در موارد بسیاری (از ناحیه پایه) به آن پیوند خورده و با گلدان یکی شده است که به آن سینی گفته می‌شود. علاوه بر تنوع شکلی این جزء می‌توان آن را محل مناسبی در جهت تزئینات گلدان‌ها به‌شمار آورد. باید دقت نمود در بسیاری از موارد شکل گلدان با شبه‌گلدان‌ها (که وفور آنها کم نیست) و نیز ظروفی مشابه با آن از جمله: سبوی، جام، آبدان، خاکستردان و غیره [۹] دارای شباهت‌هایی قابل توجه و بعضاً گمراه‌کننده است. در محدوده و طیف

بررسی نقش‌مایه گلدان در قالی‌های خشتی روستایی چهارمحال و بختیاری

بررسی مذکور از دو جهت امکان‌پذیر است: (۱) شکل و فرم و (۲) ترکیب و تلفیق با نقوش که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱) شکل و فرم

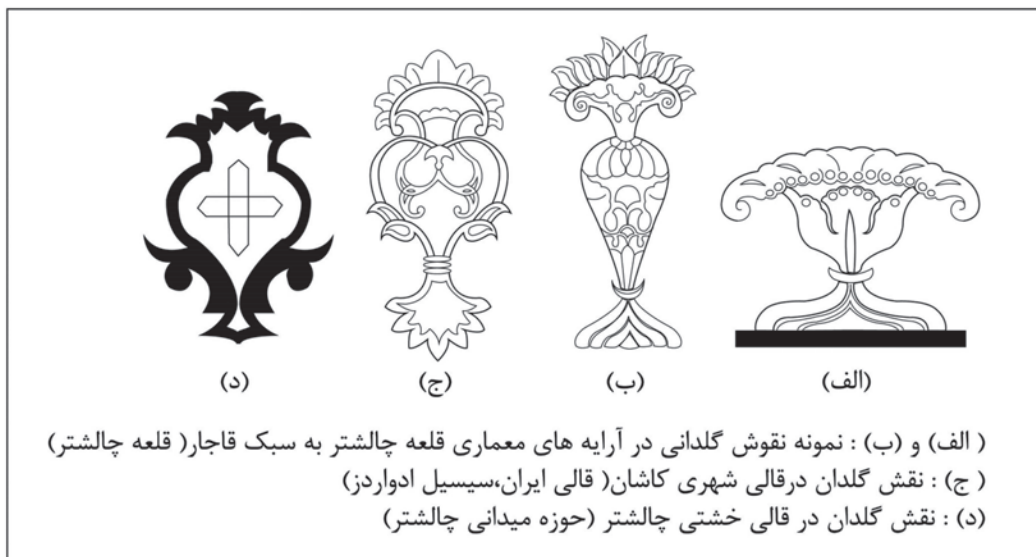
در تجزیه فرم گلدان‌ها معمولاً چهار جزء قابل تشخیص است: (الف) پایه، (ب) بدنه، (ج) گردنه یا گلوگاه و (د) دسته. در نمونه‌های ساده شده و تجرید یافته گلدان‌ها، دسته‌ها و گردنه تحلیل رفته و پایه و بدنه (و در پاره‌ای فقط بدنه) باقی مانده است. تزئین در گلدان‌های تجرید یافته اغلب

مشابهات و به عبارتی بهتر شبه‌گلدانی‌ها در حوزه‌های روستایی چهارمحال و بختیاری، باید به نقش مایه قندان اشاره کرد که در مناطقی جایگزین و مترادف با نام خشت گلدان شده است و علاوه بر آن می‌توان نقوش قندیل و یا کنده و ریشه درخت و گیاهانی که بسیار مشابه گلدان‌ها هستند را مشاهده نمود. به هر حال نکته قابل توجه آنکه گلدان‌ها نقش و الزامات کاربرد خود را از دست نداده‌اند و از این رو بسیاری از آنها منشاء و سرچشمه رویش گیاهان و خاصه گلها و شکوفه‌ها بوده‌اند. چه آنجا که در زمره عناصر اصلی نقش و طرح قرار گرفته‌اند و دارای فضایی فراخ برای رشد و نمو گیاهان و شکوفایی گل‌ها هستند همانند قالی‌های گلدانی محرابی و یا نقش ناظم، و چه آنجا که در محدوده تنگ خشت و قاب که همان نقش جوشقان را ایفا کرده‌اند. تصویر ۴ فرم و اجزاء نقش گلدان در آرایه‌های تزئینی قلعه چالستر، گلدان در قالی خشتی چالستر و نمونه‌ای از گلدان در قالی کاشان را از باب

بررسی و تطبیق ارائه داده است.

تصویر ۴ علاوه بر قیاس اجزای گلدان به تعامل آنها نیز اشاره دارد. نمونه‌های (الف) و (ب) از خیل فراوان این نقش مایه از آرایه‌های سنگی نقش برجسته در قلعه چالستر به دست آمده که در نوع خود از جهت الگو و سبک بی‌نظیر است. در تصویر فوق گلدان‌ها بدون دسته بوده و با الحاق حلقه (بست) بخش پایه از تنه جدا شده است.

در نمونه (د) از نمونه گلدان‌های شایع در کارهای چالستر با ایجاد شکستگی، پایه از بدنه متمایز می‌شود. بهره‌گیری از شیوار در تزئینات بدنه گلدان‌های سنگی چالستر معمول بوده و در پایه‌ها و بر بدنه آنها هویداست. استفاده از اسلیمی در نمونه گلدان‌های منطقه کاشان (و نیز اصفهان) امری مرسوم بوده و نمونه (ج) آن را نشان می‌دهد. نکته قابل تأمل شباهت فرم و بهره‌گیری از اسلیمی در نمونه کاشان و مشابه آن در نمونه (د) از منطقه



تصویر ۴- تطبیق فرم و اجزای گلدان در نمونه نقش مایه‌های گلدانی (مأخذ: نگارندگان)

چالشر است. ایجاد قوس و پوشش لبه گلدان‌ها با برگ‌ها اغلب در سبک قاجار معمول بوده و کماکان در اینجا نیز خود را نشان داده است.

در پیگیری بحث حاضر بنظر می‌رسد در مطالعه نمونه گلدان‌های خشتی روستایی از زوایای شکل و ترکیب با دیگر عناصر (در این حوزه) باید به سرچشمه‌ها و تأثیر الگوهای گلدانی دیگر نواحی توجه تام داشت. نقش مایه گلدانی از جمله نقوشی است که در نواحی مختلف به شکل و شمایل‌های گوناگونی در آمده اما کارکرد و ساختار خود را حفظ نموده و در گذر زمان در هر ناحیه‌ای هویت خاص خود را به دست آورده و تثبیت نموده است. نقش مایه‌های گلدانی نواحی اصفهان، کاشان و کرمان از جمله موارد اثرگذار بیرونی و حوزه‌های عشایر بختیاری، الگوهای آرامنه و نیز آثار و ابنیه موجود در استان به‌ویژه

قلعه چالشر، از رسته موارد درونی در الگوسازی نمونه نقش‌های گلدانی روستایی چهارمحال و بختیاری به حساب می‌آیند و منابع متعددی به این امر اشاره داشته‌اند.

سیسیل ادواردز و پیتر ویلبورگ [۱۰] از کیفیات و کار دیگر اقوام مهاجر خاصه آرامنه در کنار حوزه‌های فرش‌بافی روستایی چهارمحال و بختیاری اسناد معتبری را ارائه داده و صور اسرافیل با ذکر منابع فوق به اهمیت کار آرامنه و تعامل آنها تأکید داشته است (صور اسرافیل، ۱۳۸۹: ۲۹). همچنین الگوهای پیشنهادی و تصحیحات مؤسسات فعال در زمینه فرش‌بافی استان (جهاد و اتحادیه تعاونی‌های فرش روستایی) از عوامل اثرگذار در دوره معاصر تلقی می‌شوند. در این زمینه، تحلیل نمونه گلدان‌های روستایی در درک شکل و شمایل آنها و تسهیل در فهم سیر تکامل و تعامل بن‌مایه‌های گلدانی با دیگر

جدول ۱- تحلیل نقوش گلدانی قالی‌های خشتی روستایی حوزه‌های چالشر، شلمزار و بلداجی (مأخذ: نگارندگان)

حوزه	نمونه‌ها				
	(الف)	(ب)	(ج)	(د)	(ه)
چالشر					
شلمزار					
بلداجی					

توضیحات: شرح جدول در متن ارایه گردیده و ماخذ نمونه‌ها در پایان مقاله آمده است. آنالیز نمونه‌ها و تدوین جدول توسط نگارندگان صورت پذیرفته است.

الگوها ضروری و مؤثر خواهد بود. جدول ۱ آنالیز نقوش گلدانی (مستخرج از نمونه‌های میدانی) در حوزه‌های چالستر، شلمزار و بلداجی را نشان می‌دهد.

بر اساس یافته‌های میدانی در نواحی روستایی چهارمحال و بختیاری خاصه مناطق چالستر، شلمزار و بلداجی و تحلیل تصاویر مرتبط با آن‌ها که در جدول ۱ آمده است، موارد ذیل از دو بعد قابل بررسی و مطالعه‌اند: الف) کلیات و نقاط مشترک در نقش مایه‌های گلدانی خشتی روستایی و ب) شاخصه‌های سبکی در نقش مایه‌های گلدانی مناطق: چالستر، شلمزار و بلداجی.

الف) کلیات و نقاط مشترک در نقش مایه‌های گلدانی خشتی روستایی

از آنجا که سبک روستایی شیوه‌ای میان دو سبک شهری و عشایری داشته و از هر دو بهره‌ای برداشته، بنابراین میتوان خصایص شهری و عشایری، هر دو را در آن دید.

البته با یک تمایز کلی و آن هویت و شناسه‌ای روستایی است که آن را از منشاء و مبداء خود - چه شهری و چه عشایری - متمایز می‌نماید. خطوط کلی طرح در نقش مایه‌های گلدانی از نیمه‌گردان تا نزدیک به انتزاع پیش می‌رود، اما آنگونه که نه به خطوط منضبط و گردان صرف شهری نزدیک می‌شود و نه آنگونه که در انتزاع آنقدر تحلیل می‌رود که به‌مانند نمونه‌های عشایری شود. سیستم‌های بافت روستایی (رج‌شمار متوسط) نیز کمک می‌کنند تا نقش‌ها در کیفیتی نیمه‌گردان ارائه شوند.

نیز اجزاء نقش گلدان در این طیف گسترده از الگوی منشاء خود پیروی می‌کنند.

از این جهت به‌طور مثال گلدان‌های دسته‌دار، بی‌دسته، پایه‌دار و بی‌پایه، آرایه‌های تزئینی بر روی بدنه و یا عاری

از آرایه و از این دست در نمونه‌های روستایی چهارمحالی فراوان دیده می‌شوند. از دیگر موارد مشترک می‌توان به مراعات تقارن در اکثر گلدان‌ها اشاره نمود که در خشت‌های گلدان عمومیت دارد.

ب) شاخصه‌های سبکی در نقش مایه‌ها گلدانی مناطق: چالستر، شلمزار و بلداجی

- گلدان‌های چالستری: بر اساس جدول ۱، فراوانی فرم و شکل‌های نقوش گلدانی در قالی چالستر بر حفظ فرم اصلی گلدان تأکید داشته و تلاش گردیده تا با نمونه الگوهای وام گرفته از آن نزدیک باشد.

نمونه‌های الف) و ب) منشعب از آرایه‌های سنگی قلعه چالستر بوده و مرتبط با سبک قاجاری است. در این شیوه گلدان‌ها با مشابهات اروپایی خود مرتبط و پیوسته‌اند. کوتاهی فرم این گلدان‌ها و استفاده از شیارهای تزئینی بر بدنه و موج نمودن لبه آن‌ها در اغلب موارد دیده می‌شود.

گل‌ها در این نمونه گلدان‌ها از نوع گل‌فرنگ بوده و لبه گلدان‌ها از برگ‌ها پوشیده شده است. در تعدادی از این نمونه‌ها همانند نمونه ب)، شباهت ساختار گلدان به قندان کاملاً آشکار بوده به نحوی که در بسیاری از موارد در محل (چالستر) به این نمونه قندان گفته می‌شود (در بسیاری از نواحی روستایی چهارمحال و بختیاری به‌ویژه چالستر، به خشت گلدان، خشت قندان گفته می‌شود). در نمونه‌های ج) و د) با بهره‌گیری از خطوط سیال و نرم، فرم گلدان در قیاس با دو مورد قبلی کشیده‌تر بوده و دسته‌ها از دو طرف به سمت پایین فرو افتاده‌اند. شکل انتهایی دسته‌ها پیچدار و مشابه با ساخت دسته گلدان‌های شهری (اصفهان و کاشان) است که اغلب با اسلیمی ساخته می‌شود.

در نمونه خشت گلدان (ه) شکل و فرم گلدان از الگوهای شهری بسیار متأثر بوده، به گونه‌ای نرم و روان ترکیب یافته و دسته‌های دوسوی گلدان پایین‌تر از حد معمول و متأثر از شکل اسلیمی قرار گرفته‌اند. این گونه اغلب با دو شاخه آویخته بید همراه بوده و گل‌ها و آرایه‌های دیگر بالنسبه از اجزای گلدان بزرگتر هستند. در بیشتر خشت گلدان‌های چالشتی گل‌ها و آرایه‌های گیاهی به گونه‌ای هلالی شکل در دو انتهای دوسو با برگ یا غنچه آویخته شده‌اند.

به نظر می‌رسد این شکل هلالی آرایه‌ها با دیگر اشکال و فرم‌ها (همانند محراب) که در یک قاب (خشت) هم‌نشین گلدان خواهند شد، متناسب باشد.

- **گلدان‌های شلمزار:** گلدان‌های شلمزار نسبت به هم‌نوعان چالشتی خود دارای دو تفاوت بارز هستند: یکی نزدیک بودن فرم آنها به شکستگی و هندسی بودن و دیگری شکستگی و تطبیق آرایه‌های گل و گیاهی خود با شکل خشت مربع. خشت گلدان‌های شلمزار کمتر از الگوهای شهری متأثر بوده و به نمونه‌های عشایری نزدیکتر است. در نمونه (الف) با وجود تأثیرات شهری سعی شده این مسئله با شکستگی آرایه‌های گیاهی جبران شود.

در نمونه‌های (ب) و (ج) علاوه بر شکستگی و هندسی بودن فرم گلدان، الزامات و آرایه‌های آنها به شدت شکسته شده و دارای دسته‌های آزاد و شاخه‌های بید مجنون هستند. نمونه (د) از آن‌گونه گلدان‌هایی است که با انتزاع بسیار به پایه و بدنه قیفی شکل محدود شده است. موارد (الف)، (ب) و (ج) به صورت مشترک نقش گل را بر بدنه خود داشته و با چندین نوع در ترکیب بیشترین حضور را در قالی‌های خشتی شلمزار داشته‌اند.

- **گلدان‌های بلداجی:** به دلیل تعامل و نزدیکی بلداجی









با حوزه‌های عشایری، بیشتر گلدان‌ها دارای فرم‌هایی هندسی و شکسته با کمترین ساخت و ساز هستند. جثه کلی فرم گلدان در این حوزه نسبت به چالشتی و شلمزار و حتی نسبت به آرایه‌های خود کوچکتر است. نمونه‌های (الف) تا (ه) با کمترین پیرایه کلیت گلدان را ارائه داده‌اند. در تمامی نمونه‌ها حجم آرایه‌ها بزرگتر از گلدان بوده و در دو نمونه (د) و (ه) کاملاً انتزاعی شده‌اند.

۲) ترکیب و تلفیق با نقوش

نقش گلدانی هم در ساختار نقش و تزئینات و هم در ترکیبات دارای تنوع گسترده‌ای است. در این بررسی به دلیل تنوع گسترده، نقش گلدانی بسته به اینکه با چه عنصر تزئینی همراه باشد تقسیم‌بندی گردیده، در نهایت روشن خواهد شد که کدام یک از ترکیب‌ها از اصالت بیشتری برخوردار است و در کدام منطقه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که تقسیم‌بندی حاضر و انتساب اسامی به آنها توسط نگارندگان صورت گرفته و در بین بافندگان عمومیت ندارد؛ به این معنا که بافندگان تمامی ترکیب‌ها را با عنوان گلدانی می‌شناسند و تفکیک مشخصی در این زمینه وجود ندارد.

علاوه بر این در قالی‌های خشتی تمام مناطق همواره از نقوش پرکننده در جهت پر کردن فضاهای خالی استفاده می‌شود. این نقوش اصولاً بسیار ریز و متنوع هستند. در تقسیم‌بندی حاضر، عناصر تزئینی پرکننده مد نظر نبوده و بر ترکیب‌هایی تمرکز شده است که نقوش همراه گلدان به نقش‌مایه گلدان، ویژگی و هویتی تازه بخشیده است. به این ترتیب ترکیبات نقش گلدانی در قالی‌های خشتی چهارمحال و بختیاری عبارتند از: گلدانی محرابی، گلدان و درخت، گلدانی گل‌فرنگ، و گلدان و پرند. در جدول

جدول شماره ۷: ترکیب نقش ماه گلان با دیگر نقوش در قالی‌های خشتی روستای چهارسحال و پنجاری (مآخذ: مطالعات میدانی، استخراج و تدوین از نگارندگان)

عنوان نقش	تصاویر			توضیحات	مناطق بکارگیری نقش
گلان و محراب				این ترکیب از فراگیرترین ترکیب های طرح گلانی است که در تمامی مناطق استان بکار گرفته میشود. محراب ها به صورت تک لته ، و یا سه لته بوده و متناسب با سبک هر منطقه شکسته ، نیمه گردان و یا گردان میشوند.	چالستر بلداچی ، شلمزار (نمونه های مشابه در فرادنبه ، بااحیدر اسکفتک ، بارده ، ازجک و هیرگان دیده میشود)
گلان و درخت				گلان و درخت از ترکیب های قدیمی طرح گلانی محسوب میشود و کاربرد آن امروزه تا حد زیادی منسوخ شده است. این نقش همواره به صورت قرینه بکار گرفته میشود و نقش گلان گاه بزرگتر و گاه کوچکتر از نقش درختان است.	بلداچی ، فرادنبه
گلانی گلفرنگ				از فراگیرترین نقوش گلانی است که در ترکیبهای سه گل ، پنج گل و یا بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد و بالاترین تنوع نقوش گلانی را به خود اختصاص داده است. نقش گلانی گلفرنگ گاه بصورت قائم و گاه بصورت کج بکار گرفته میشود.	چالستر ، (نمونه های مشابه اما انتزاعی در حوزه بلداچی دیده میشود)
گلان و پرند				از جدیدترین ترکیبهای نقش گلانی است که در آن دو پرند به شکل قرینه بر روی گلان قرار گرفته اند این ترکیب در هیچ یک از قالبهای قدیمی خشتی در این حوزه دیده نشده و با توجه به سبک گردان و اجرای دقیق آن ، بنظر میرسد از طرحهای منطقه اصفهان متأثر است.	چالستر

۲ ترکیب نقوش گلدانی با دیگر نقوش ارائه شده است.
ترکیب نقش مایه گلدان با دیگر نقوش در قالی‌های خشتی (تشریح جدول ۲)

۱. **گلدانی محرابی:** این ترکیب از ترکیب‌های قدیمی بوده و در تمامی مناطقی که قالی خشتی می‌یافتند مورد استفاده قرار می‌گیرد. محراب ممکن است تک‌لته و یا سه‌لته باشد؛ گاه با ستون و گاه بدون ستون است. این ترکیب نه تنها در قالی‌های خشتی چهارمحال و بختیاری بلکه در بسیاری از قالی‌های روستایی و شهری ایران مورد استفاده واقع می‌شود. اما از آنجایی که این ترکیب در قالی‌های خشتی برای قرار گرفتن در فضای محدود خشت در نظر گرفته می‌شود، فاقد تزئینات و ریزه‌کاری بوده و بافنده بیشتر به کلیت طرح محراب و گلدان اهمیت داده است.

۲. **گلدان و درخت:** از ترکیب‌های جدید در قالی‌های منطقه محسوب می‌شود و اصولاً درخت سرو را در دو سمت گلدان نمایش می‌دهد. قابل ذکر است که نمونه خشت‌های گلدانی در قدیم بسیار ساده و استیلیزه شده بودند و فضای خشت نیز کمتر با نقوش مکمل پر می‌شد، اما امروزه به ویژه در قالی‌های خشتی چالشر نقش گلدان با درخت و یا گل‌هایی که جدا از مجموعه گلدان هستند پر می‌شود. به عبارتی خشت‌های گلدانی چالشر نسبت به سایر مناطق شلوغ‌تر شده و ترکیب‌های جدید و نامتعارف در آنها باب شده است.

۳. **گلدانی گل‌فرنگ:** این نقش از پرکاربردترین نقوش مورد استفاده در قالی‌های خشتی چالشر است و در سایر مناطق کاربردی ندارد. نقش گلدانی گل‌فرنگ به دو صورت صاف و کج درون خشت قرار می‌گیرد که نمونه گلدان کج از ترکیب‌های جدید بوده و در سال‌های اخیر به واسطه باب شدن نقشه‌های جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه آنکه نمونه‌های گلدانی کج تنها در خشت‌های

چهارگوشه متن قرار گرفته و در خشت‌های دیگر کاربردی ندارد. اما نمونه‌های صاف در تمامی خشت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و محدودیت استفاده ندارد. از طرف دیگر نمونه‌های گلدانی گل‌فرنگ به سه دسته تقسیم می‌شوند: سه لندنی، پنج لندنی و گل لندنی. منظور از لندنی همان گل‌های رز هستند که با عنوان لندنی عمومیت یافته‌اند و بر حسب آنکه چند گل در گلدان مورد استفاده قرار گیرد، عناوین مختلفی می‌باید. در مواردی که تعداد گل‌ها بیش از پنج باشد، تنها با عنوان لندنی شناخته می‌شود. گلدان‌های گل‌فرنگ از دسته نگاره‌هایی محسوب می‌شوند که طبیعت‌گرایی تا حدی در آنها دیده می‌شود و گل و برگ‌ها دارای سایه‌پردازی هستند.

۴. **گلدان و پرند:** نقش پرند که در قالی‌های خشتی نقشی پرکاربرد است، اما ترکیب گلدان و پرند (که در فرش‌های شهری و روستایی مناطق مختلف ایران به کرات به کار گرفته می‌شود) کمتر در فضای خشت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مسئله شاید به دلیل فضای محدود خشت باشد. به هر صورت ترکیب گلدان و پرند از نقوشی است که در سال‌های اخیر در این قالی‌ها باب شده و به دلیل پیچیدگی نقش تنها در منطقه چالشر مورد استفاده قرار می‌گیرد. پرندگان اصولاً به صورت جفتی و در میان گلها و یا دو طرف گلدان به کار گرفته می‌شوند. البته ترکیبات دیگری از گلدان و نقوش دیگر وجود دارد که در حوزه‌های عشایری به دلیل ذهنی‌بافی و آزاددستی بافنده طیف وسیعی را شامل می‌گردد.

بحث

قالی‌های خشتی روستایی در قلمرو چهارمحال و بختیاری از بهترین و زاینده‌ترین محمل‌ها در پرورش نقش‌های گلدانی بوده و هر روز تنوع و گونه‌های تازه‌ای

از آن متولد می‌گردد. در این حیطة می‌توان از کهن‌ترین نگاره‌های گلدانی در حوزه‌های بافندگی عشایری تا متنوع‌ترین انواع این نگاره را در سبک‌های شهری آن مشاهده نمود. نیز می‌توان تنوع گونه‌های گلدانی در حوزه روستایی را از دو سو جنبه مطالعه قرار داد، یکی از جنبه کثرت منابع این بن‌مایه (درونی و برونی) و یکی از نظر ظرفیت پذیرش و دگرگونی این نقش در حوزه روستایی با طرح خشتی و بالطبع ارائه ترکیباتی نو از آن.

داده‌های اسنادی و به‌ویژه منابع میدانی بر توفیق و تلاش نواحی چالستر، شلمزار و بلداجی در به‌کارگیری گلدان و تلفیق با عناصر همخوان و ایجاد نمونه‌هایی نو از آن صحنه گذاشته‌اند. تحلیل و ترکیب نقوش گلدانی (جدول ۱ و ۲) سوای آنکه تنوع فرم و ظرفیت‌های ترکیب نقش گلدان را به گونه‌ای روشن و مستقیم در چالستر، شلمزار و بلداجی نمایش می‌دهند، طبیعتاً بر سبک و سیاق ساخت و ساز گلدان در مکتبی روستایی و به سه گونه متفاوت اشاره و تأکید دارد. بدین نحو هر منطقه تلاش دارد علاوه بر داشتن شناسه‌ای روستایی و مشترک، شیوه‌ای خاص در نمایش از گلدان ارائه دهد. پس می‌توان هر حوزه‌ای را موجد سبکی ویژه در این کار دانست که گرچه در خصایل روستایی عمومیت دارند، اما از جهتی که گونه‌ای خاص را ارائه و پدید آورده‌اند از دیگر الگوها متمایز شده‌اند.

با تأمل در نمونه‌های آمده به‌ویژه جداول ارائه شده ۱ و ۲ می‌توان به دو نکته اشاره نمود: یکی کثرت و دیگری تنوع، هر سه منطقه چالستر، شلمزار و بلداجی سعی داشته ضمن حفظ کلیت نقش‌مایه گلدان هم با تغییر فرم گلدان و هم به مدد ترکیب با نقش‌های دیگر، بر تنوع خشت گلدان‌ها بیفزاید. این در حالی است که خشت گلدان با چنین کیفیاتی در انحصار همان محدوده قرار داشته

و به‌عنوان مثال گلدان به سبک شلمزار یا چالستر و یا بلداجی پدید آمده و به آن منتسب شده است. در قیاس شکل و شمایل گلدان‌ها در ناحیه چالستر روشن گردید که تمایل به گونه‌های شهری نسبت به دو ناحیه دیگر قوی‌تر است. گلدان‌ها در این ناحیه میل بیشتری به ارائه جزئیات و نمایشی واقعی‌تر از شکل گلدان داشته‌اند. شلمزار با آنکه در مواردی تمایل به نمونه‌های غیربومی داشته است، در اکثر موارد گرایش خود را به عشایری و روستایی بودن نشان داده است. بلداجی بیشترین تأثیرات بومی و عشایری را در کارهای خود ارائه داده و به همراه شلمزار نمونه‌هایی انتزاعی از گلدان را ساخته و پرداخته است (جدول ۱ و ۲).

جدول ۲ علاوه بر آنکه انعطاف‌پذیری نقش گلدان در حین حفظ کلیت شکل و ساختار آن را نشان داده است، به ابداع و طرح‌افکنی مدام در محدوده معین و تنگ خشت اشاره دارد.

نتیجه‌گیری

نقش گلدان از فراگیرترین و متنوع‌ترین نقوش در حوزه هنرهای ایران خاصه فرش‌بافی است. با وجود حضور گسترده آن در اغلب سبک‌ها و نواحی به‌نظر می‌رسد هنوز منابعی در راستای شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیلی جدی پیرامون آن ارائه نشده است. خلاء اسناد در این زمینه و نیاز مبرم به حفظ میراث‌های اثرگذار ایرانی و الهام و ارائه‌ای نوین از آن اهمیت و ضرورت تدقیق در آن را باعث شده است. در حیطة فرش‌بافی روستایی چهارمحال و بختیاری و فور بن‌مایه‌های اصیل گلدانی نیاز به تشدید مطالعات در این امر را دو چندان می‌نماید. شکل و ترکیبات گلدان در نواحی چالستر، شلمزار و بلداجی

علاوه بر آن که به عنوان شاخصه سبک نواحی و تمایز آن‌ها قلمداد می‌شود، شناسه‌های هویتی روستایی را به همراه دارد. در خصوص نحوه ساخت و ویژگی‌های روستایی نقش مایه گلدان در قالی‌های خشتی این منطقه می‌توان موارد ذیل را به عنوان ماحصل آنچه که آمد ذکر نمود:

۱. نقش مایه گلدان در قالی‌های خشتی روستایی منطقه بسته به سبک حوزه بافت به سه صورت شکسته، نیمه‌گردان و گردان ارائه می‌شوند.
۲. بیشترین تنوع نقش گلدان مربوط به حوزه چالستر بوده است.
۳. عمده تغییر و تحولات در ساختار گلدان و عناصر تزئینی آن در منطقه چالستر دیده می‌شود.
۴. چنین به نظر می‌رسد که نقش مایه‌های گلدانی موجود در خشت گلدان‌ها دارای ریشه‌های داخلی (عشایر، ارامنه، آرایه‌های تزئینی معماری به‌ویژه قلعه چالستر) و خارجی (حوزه‌های شهری همانند اصفهان، کاشان و در مواردی کرمان) است.
۵. فرم و شکل گلدان‌ها در قالی‌های خشتی روستایی دارای هر منشائی که باشند (اعم از داخلی یا خارجی) شکل نهایی گلدان‌های پدید آمده، شاخصه‌ها و هویتی روستایی پیدا نموده و با نمونه اصلی و منشاء خود از این نظر متفاوت شده‌اند.
۶. با توجه به کثرت و تنوع و ظرفیت افزایش بر تنوع گونه‌های سه حوزه مورد بررسی، می‌توان با موشکافی دقیق، علاوه بر حفظ نمونه‌های اصیل با ثبت ملی آن، سبکی خاص در قلمرو فرش بافی روستایی ایران ایجاد نمود.
۷. تغییرات صورت گرفته در سال‌های اخیر تابع مراودات برون منطقه‌ای، تغییر در زیبایی‌شناسی و سبک بومی منطقه و هدایت بافندگان توسط تولیدکنندگان به سمت

تولیدات جدید بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. طبقه‌بندی طرح‌ها و نقوش قالی ایران از جمله مباحث مهمی است که در شناسایی و حفظ و حراست از طرح‌های ایرانی دارای ضرورتی اساسی بوده و به‌ویژه اهمیت آن در دوره معاصر با توجه به گستره وسعت طرح‌ها، تقلید و عدم شناسایی آنها روبه فزونی است. سوای از گروه‌بندی‌های کلی (گردان، نیمه‌گردان، هندسی و شاخه شکسته) و یا گروه‌بندی‌هایی بر مبنای حوزه‌های فرش بافی و سبکی (نظیر شهری، روستایی، عشایری) تا به حال دو گونه طبقه‌بندی منسجم در این زمینه ارائه گردیده است: (۱) طبقه‌بندی سیسیل ادواردز در ۹ رده و (۲) طبقه‌بندی شرکت سهامی فرش ایران در ۱۹ رده. در دوره متأخرتر نیز گونه دیگری به‌وسیله احمد دانشگر ارائه گردیده است. پیرامون جایگاه طرح گلدانی در طبقه‌بندی طرح‌ها و نقوش قالی ایران یادآور می‌گردد طرح گلدانی از جمله طرح‌های شناخته شده عصر صفوی و پس از آن به‌شمار می‌آید که هنگام مطالعه قالی‌های آن عصر به‌ویژه از جهات منشاء، ترکیب و تأثیرات در دیگر الگوها مباحثی قابل تأمل است. این طرح در طبقه‌بندی‌های موجود در زیرگروه‌های گیاهی، درختی و محرابی قابل بررسی است. ادواردز در کتاب قالی ایران و شرکت سهامی فرش ایران در کتاب شناخت شاهکارهای فرش ایران و احمد دانشگر در کتاب فرهنگ جامع فرش یادواره، طبقه‌بندی‌های خود را ارائه نموده‌اند.
۲. طرح خشتی از جمله طرح‌های کهن ایرانی و مرتبط با الگوهای باغ ایرانی است. الگو و قدمت این نحوه نظام و تقسیم‌بندی در تطبیق با پریشینه‌ترین نمونه قالی بازمانده از عهد هخامنشی (پازیریک) پیوستگی طرح و سوابق آن را نمایان می‌سازد. طرح خشتی با توجه به نمونه‌های بکر

عشایری در استان چهار محال و بختیاری (گلیم، قالی و خرسک‌های عشایر بختیاری) از سوابق طولانی برخوردار بوده و در اکثر مناطق استان به کار گرفته شده است. منابع میدانی بر پیوستگی آثار و ابنیه استان (امثال آرایه‌های تزئینی سنگی و تزئین سقف قلعه چالستر و دیگر قلاع) با طرح خشتی هم بر تعامل این دو تأکید داشته و هم به قدمت آن (تا دوره قاجار) اشاره نموده‌اند. اگرچه برخی از این منابع بافت طرح خشتی در منطقه را از عهد صفوی دانسته‌اند، اما پاره‌ای هم قدمت قالی‌بافی را مد نظر قرار داده‌اند: «قالی‌بافی در این منطقه سابقه‌ای بیشتر از یکصد و هشتاد سال ندارد. فرش‌های این منطقه در سبک‌های منحنی و شاخه شکسته بافته می‌شوند» (نصیری، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

۳. از مهمترین و رایج‌ترین خشت‌های منطقه چالستر که در دیگر نواحی استان (با کیفیاتی متمایز) به کار رفته‌اند، می‌توان به خشت‌های ذیل اشاره داشت: خشت بید مجنون، خشت بته جقه (مادر و بچه، قهر و آشتی، دوقلو، سه‌بته، شش‌بته)، خشت سرو، خشت کاج، خشت قیچی، خشت محراب (خشت ستون یا خشت طاقی ستوندار گلدانی)، خشت فرشته، خشت چنگال، خشت انگور، خشت چمنی، خشت گل (سه‌گل، همه‌گل)، خشت دست دلبر، خشت ابرو، خشت دوا برو، خشت شاه عباسی، خشت گلدان (یا خشت قندان)، خشت سوسک، خشت سیب، خشت بادام، خشت سینه‌ریز، خشت سیمرغ، خشت کاج و طاووس. علاوه بر این خشت‌هایی که قدمت آنها به عهد قاجار رسیده و به نوعی جدیدتر محسوب می‌شوند عبارتند از: خشت دسته‌گل فرنگی، خشت گل لندنی (خشت سه‌لندن، خشت پنج‌لندن)، خشت گل پیاز. لازم به یادآوری است هر خشت در مواردی دارای زیرگروه‌هایی نیز می‌شود که با تلفیق و

ترکیبات با نقوش دیگر باعث تعدد خشتها می‌گردد. به‌عنوان مثال خشت محراب به چهار گونه آمده است: محرابی فاقد ستون، محرابی دو ستون، محرابی چهارستون، محرابی گلدانی. نیز تعدادی از خشت‌ها دارای دو نام هستند از آن جمله خشت گلدان که خشت قندان نیز گفته شده و یا خشت محراب، خشت ستون و خشت طاقی هم نامیده می‌شود.

۴. منظور سبک‌های سه گانه فرش‌بافی یعنی عشایری، روستایی و شهری است. در ذیل سبک روستایی و منظور از فرش روستایی چنین آمده است: «مقصود از این نوع فرش (روستایی)، فرشی نیست که در مقابل فرش‌های شهری قرار گیرد. بلکه منظور طبقه‌ای است که نقش‌ها و ویژگی‌های طرح‌هایی مشترک را در برگیرد.

در سلسله مراتب معمول در بافته‌های شرقی، دستبافته‌های روستایی در میان تولیدات عشایری و کارگاهی قرار می‌گیرد. طرح‌های روستایی بسیار متنوع هستند و از طرح‌های عشایری و کارگاهی الهام گرفته‌اند» (Neff & Maggs, 1997: 14). اگرچه تقسیم‌بندی سبکی در حوزه چهار محال و بختیاری در دوره معاصر به دلایل متعددی از جمله در هم‌تنیدگی نواحی شهری و روستایی و پراکندگی طرح‌ها و نقش‌ها و غیره دشوار می‌نماید، لاجرم در بررسی حاضر به دلیل حضور سوابق شیوه و سبک روستایی در چالستر، شلمزار و بلداجی از این نواحی تحت سبک روستایی نامبرده شده است.

۵. تقسیم‌بندی حاضر قطعی و مطلق نیست بلکه پیشنهادی است جهت تسهیل درک و شناسایی تعداد قابل توجهی از خشت گلدان‌های حوزه‌های روستایی چالستر، شلمزار و بلداجی. علاوه بر آن کثرت، تنوع و ترکیبات گوناگون موجود در حوزه میدانی پژوهش حاضر، زمینه‌های تدوین و ارائه گونه‌ای از دسته‌بندی را ایجاب می‌نمود.

۶. Vase: گلدان، سفالینه، آوند (مرزبان، ۱۳۸۴: ۳۷۴).

۷. چالشر از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین مناطق قالی‌بافی استان چهارمحال و بختیاری است (ژوله، ۱۳۸۱: ۲۰۱). از منظر سبک‌شناختی قالی‌چالشر در حوزه فعالیت بافندگان چهارمحالی صاحب سبک روستایی است. منابع معتبر بر روستایی بودن و بافت آن در قلمرو چهارمحال تأکید داشته و آن را متمایز از دستبافته‌های عشایر بختیاری می‌دانند (ادواردز، ۱۳۶۸: ۳۴۵-۳۴۶؛ ژوله، ۱۳۸۱: ۲۳۱)؛ (Stone, 1997: 46). الگوی طرح در این قالی شکسته و نیمه‌گردان است و نقش‌ها اغلب ملهم از نگاره‌های گیاهی، خاصه سرو، بید مجنون و بته است. بازآفرینی باغ بهشتی در ساختاری هندسی - خشتی (موزاییکی) در پیروی از نظام باغ‌سازی ایرانی از کهن‌ترین مضامین در طرح افکنی قالی‌چالشر است که به نام طرح «خشتی چالشری» دارای شهرتی جهانی و الگویی معتبر و اصیل برای قالی‌روستایی چهارمحال به حساب می‌آید. به همین میزان مناطق شلمزار و بلداجی در خور اهمیت و توجه‌اند. به‌ویژه از آن رو که سبکی خاص با رگه‌هایی از تأثیرات عشایری در آن‌ها مشاهده می‌شود.

۸. قلعه چالشر از مهم‌ترین آثار معماری چالشر در حوزه چهارمحال، دارای اهمیتی تاریخی و فرهنگی است که نقش و نگاره‌های آن همواره در هنرهای سنتی چهارمحال مورد توجه بوده است. قلعه چالشر با وسعت ۳۴۰۰ مترمربع در سال ۱۳۲۳ هجری قمری توسط محمدخان ستوده و در مدت ده سال بنا گردیده است. پس از او پسرش خدارحم‌خان در آن سکونت داشته و در زمان وی یکی از بناهای این مجموعه مشهور به خانه ستوده در دوطبقه برای فرزندش احمدخان بنا گردیده است. در حال حاضر قلعه چالشر دارای دو قسمت است که قلعه بیرونی قلعه خدارحم‌خان و قسمت درونی آن به

قلعه ستوده معروف است. آرایه‌های تزئینی قلعه و خانه ستوده از اهم الگوهای است که در بررسی قالی استان قابل تأمل است. نقش‌های گلدانی، انگور، زنبق و گل‌فرنگ (رز) به سبک و سیاق قاجاری از شایع‌ترین و اصلی‌ترین نقش‌های به‌کار رفته در این بنا محسوب می‌گردد.

۹. از جهت تشابه شکلی (و بالطبع کاربرد) ظروف متنوعی با کاربری خاص را می‌توان برشمرد از آن جمله:

(۱) Amphora که یک سبوی یونانی با دو دسته و گردن شیپوری است که به‌منظور ذخیره کردن روغن یا شراب از آن استفاده می‌کرده‌اند (کلارک، ۱۳۸۹: ۱۲)؛ (۲) Hydra یا پارچ آب یونان باستان که قسمت بالای آن گرد است و دسته‌ها به‌صورت افقی به آن چسبیده‌اند، دسته دیگر به‌صورت عمودی به گردن آبدان وصل است و در هنگام ریختن آب از آن استفاده می‌کنند (همان، ۱۳۸۹: ۱۴۹)؛ (۳) Kantharos یا جام دودسته یونانی، فنجان نوشیدنی یونان باستان با دودسته و یک کاسه پهن پایه‌دار (همان، ۱۳۸۹: ۱۶۳)؛ (۴) Krater یا آبدان دودسته، ظرف یونانی و روم باستان به‌منظور ادغام شراب و آب با بدنه کروی شکل و دهانه گشاد (همان، ۱۳۸۹: ۱۶۶)؛ (۵) Kylix یا جام پهن پایه‌دار، قلع یونان باستان که دارای یک کاسه کم‌عمق بزرگ و دو دسته افقی است (همان، ۱۳۸۹: ۱۶۷)؛ (۶) Cincaryur یا خاکستردان جسد (همان، ۱۳۸۹: ۶۵)؛ (۷) Urceus یا گلدان دسته‌دار رومی (مرزبان، ۱۳۸۴: ۳۷۲) و (۸) Um که الف. ظرف یا ب. خاکستردان جسد [از جنس سفال، مرمَر، شیشه یا مفرغ] است (همان، ۱۳۸۴: ۳۷۲).

۱۰. Peter Willborg

فهرست منابع

۱. آذریاد، حسن و حشمتی رضوی، فضل ا... (۱۳۷۲) *فرشنامه ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات

14. Stone, Peter F. (1997) *The oriental rug Lexicon*, London: Thames and Hudson Ltd.
15. Willborg, Peter (2002) *Chahar Mahal va Bakhtiari, village, workshop & nomadic rugs of western Persi*, Stockholm: J.P.WILLBORG AB.

- فرهنگی (پژوهشگاه).
۲. اشنبرنر، اریک (۱۳۸۴) *قالی‌ها و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران*، ترجمه مهشید تولایی و حمیدرضا نصیری، چاپ دوم، تهران: یساولی.
۳. ادواردز، سیسیل (۱۳۶۸) *قالی ایران*، ترجمه مهین دخت صبا، چاپ دوم، تهران: فرهنگسرا.
۴. پرهام، سیروس (۱۳۷۱) *دستبافته‌های روستایی و عشایری فارس*، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
۵. پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۷) *سیری در هنر ایران*، جلد ششم، تهران.
۶. حصوری، علی (۱۳۸۱) *مبانی طراحی سنتی در ایران*، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
۷. دایماند، ام. اس. (؟) *بافته‌ها و فرش‌های صفوی*، اوج‌های درخشان هنر ایران، ریچارد اتینگهاوزن و احسان یارشاطر، ترجمه هرمز عبدالهی و رویین پاکباز، تهران: آگه.
۸. ژوله، تورج (۱۳۸۱) *پژوهشی در فرش ایران*، تهران: یساولی.
۹. صور اسرافیل، شیرین (۱۳۸۹) *از آبی آسمان و سرخی دشت*، فرش چهارمحال و بختیاری، تهران: آفتاب اندیشه.
۱۰. کلارک، مایکل (۱۳۸۹) *فرهنگ فشرده اصطلاحات هنر آکسفورد*، ترجمه الهام‌السادات رضایی، چاپ اول، تهران: برگ نگار.
۱۱. مرزبان، پرویز و معروف، حبیب (۱۳۸۴) *فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (معماری، پیکره‌سازی، نقاشی)*، ویرایش چهارم، تهران: سروش.
۱۲. نصیری، محمدجواد (۱۳۸۲) *فرش ایران*، تهران: پرنگ.

13. Neff, Ivan C. & Maggs Carol V. (1977) *Dictionary of oriental rug*, London: AD. Donkey Ltd.